

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asagaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانعلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا
۳۴۹

اساسی سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۵ بهمن ۱۳۸۵، ۱۴ فوریه ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدال کلپریان abdolgolparian@yahoo.com

زنده باد هشت مارس، زنده باد آزادی زن! به خیابان بیایید، حجاب برگیرید! نه حجاب، نه جنگ، نه بمب!

صفحه ۳



نه به حجاب،
نه به آپارتاید جنسی

زنده باد ۸ مارس، روز جهانی زن
زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران

مارس ۲۰۰۷



نقدی بر اساسنامه "کانون نویسندگان کرد"



عبدال کلپریان

اخیرا اساسنامه ای با امضای جمعی از نویسندگان کرد و برای کسب مجوز قانونی از نهادهای دولتی منتشر شده که لازم است به نکات مندرج در این اساسنامه اشاره ای داشته باشیم.

اساسنامه دارای ۳ فصل، ۳۵ ماده و ۱۵ تبصره است.

نکات مورد اشاره من در پرداختن به این مسئله، مربوط به فصل اول و ماده های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۸ است.

سعی میکنم بطور فشرده بدان بپردازم. (خطوط تاکیدات در کل این نوشته از من است)

این را هم اضافه کنم که نقد من بر اساسنامه و نگرش حاکم بر آن است، نه افراد و شخصیتهای امضا کننده آن.

امیدوارم که امضا کنندگان این

اساسنامه که تحت عنوان "کانون نویسندگان کرد" آنرا امضا کرده اند، قدری واقع بینانه تر به اوضاع سیاسی اجتماعی حیطه فعالیت خود بنگرند و از طرفی بار دیگر عمیقاً اساسنامه را بدقت مطالعه کنند و فعالیتهای تا کنونی خود را بر بستر چنین اساسنامه ای تعریف نکنند.

صفحه ۲

مراسمی بزرگ با شعارهای رادیکال در اشنویه

صفحه ۴

احضار فعالین کارگری را محکوم میکنیم

صفحه ۴

کارگران "نساجی کردستان"
مقابل اداره کار استان تجمع کردند

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

نقدی بر اساسنامه کانون ...

ماده ۱ میگوید:

ماده ۱

نام سازمان غیر دولتی مورد نظر، "کانون نویسندگان کرد است که در این اساسنامه، به لحاظ رعایت اختصار "کانون" نامیده می شود.

انتخاب نام این تشکل حتی در شکل ظاهر آن هم، عقب تر از آن است که امروز بتوان بر بستر آن به تلاشی برای فعالیتهای ادبی و هنری و انتشار کتب، شعر و دیگر آثار ادبی انجام داد. در حالیکه فعالیتهای اجتماعی در جایی همچون سندج، سالهاست از رنگ و بوی قومی عبور کرده و مراسم روز جهانی کودک، تشکیل اتحادیه های سراسری کارگری و غیره مرزهای محلی را شکسته است، جمعی که خود را نویسنده و روشنفکر می دانند و در تلاشی که به مثابه اهداف برای خود تعیین کرده اند، در یک چهارچوب بشدت محدود و قومی دست به ایجاد تشکلی با عنوان "کانون نویسندگان کرد" زده اند. این جمع اگر به همان عنوان کانون نویسندگان بسنده میکردند و نه تنها این، بلکه اهداف خود را در سطح وسیعتری تعریف می کردند، شاید میشد از شان انتظاری در سطح کار ادبی و فرهنگی صرف داشت. اما این انتظار و بنا به مفاد دیگر این اساسنامه، انتظاری بوج است. صرفا بحث بر سر عنوان این تشکل نیست، بلکه انطباق عنوان با محتوای آن هر دو است که پایتیر به این مسئله خواهم پرداخت اما اجالتا خواستم این را نشان دهم که خاصیت و حکمت چسپیدن به "هویت کردی" و "کرد بودن چیست. کردی اعلام کردن" و افتخار و برجستگی آن بر سر دفتر یک تشکل معین، پدیده ای برای کسب مجوز و باد زدن و زنده کردن افق ناسیونالیستی کرد است. این کانون می تواند هر عنوان و هر هدفی عقب تر از قومی گری را نیز برای خود برشمارد اما واقعیات نه تلخ بلکه شیرین جامعه، مدنهادست که چنین اساسنامه هایی را حاشیه ای

در دوران تاریخ معاصر ایران، افراد و شخصیتهای ادبی وجود داشتند که در آثار و ادبیاتشان، در شعر و نمایشنامه هایشان، نابرابری های موجود در جامعه را به ریشخند گرفتند و تلاش داشتند تا در ظرفیت کار ادبی و هنری خود منشا اثری باشند. اما نباید اشتباه کرد که این دسته از نویسندگان هیچگاه در بارگاه رژیمهای حاکم (پهلوی و اسلامی) سجده نکردند و به آیین نامه و اساسنامه چنین رژیمهایی که خون بسیاری از نویسندگان را در شیشه کرده بود کرش نکردند.

رعایت کامل قوانین جمهوری اسلامی ایران که در ماده ۲ "کانون نویسندگان کرد" آمده است، ناشی از گنج سری نیست بلکه قبل از هر چیز مهر تاکید نهادن بر قوانینی است که سه دهه تمام، همین قوانین جنایتهای تاریخی را علیه انسان و انسانیت، علیه زن و کودک، علیه کارگر و علیه نویسندگان شریفی که حاضر به کرش و تعظیم در مقابل همین قانون مورد تایید "کانون نویسندگان کرد" نشدند، اعمال کرد. اما نویسندگان این اساسنامه آنرا نمی بینند. رعایت قوانین جمهوری اسلامی برای گرفتن مجوز فعالیت یک تشکل، معنایی جز رعایت تمامی فجایعی که این رژیم بر سر کارگران، زنان، کودکان، جوانان و نویسندگان آورده است نیست. این اساسنامه با چنین بندهایی، دارد خود را در تاریخ قوانین عصر حجری این رژیم تعریف می کند و ناتوان تر تر از آن است که بتواند بجزر زیر سایه همین قوانین، حرکتی هنری و ادبی را از خود به نمایش بگذارد.

شاید این سوال مطرح شود که این "کانون" اگر چنین اساسنامه ای را تقدیم نکند نخواهد توانست به فعالیتهای ادبی و نویسندگی خود و در چهار چوب مقررات نظام به کارهای ادبی بپردازد؟ چرا که شرایط و اوضاع در داخل کشور فرق می کند و باید روزنه ای برای فعالیت چنین جمعهایی پیدا کرد. پیشتر اشاره کردم که گرفتن چنین مجوزی آنهم برای گسترش هویت و فرهنگ کردی، امروز دیگر احتیاجی به مجوز ندارد چنین توجیه و بهانه هایی امروز دیگری معنی تر از آنست که بتوان با اینگونه استدلال کسی را قانع کرد. هر

گونه حرکت و فعالیت سیاسی، اجتماعی بخشهای مختلف جامعه و افراد، آنهم در شرایط امروز که حتی هر گونه اعتراضی به حاکمیت موجود را در خود داشته باشد، بطور روشن و شفاف دارد حرف خود را می زند. شرایط حرکتهای جنبشهای اعتراضی جامعه، از تعظیم و پلٹیک زدن و غیره، سالهاست عبور کرده است. تشکلهای کارگری، تشکلهای زنان، جمع و گروههای دانشجویی همه و همه با مجوز و بی مجوز دارند در شرایطی رژیم و قوانین ضد بشری آنرا به چالش می طلبند که حتی بخشهایی از ناراضیان درون حکومتی را نیز به اعتراض علیه همین قوانین قرون وسطی ای کشانیده است. در چنین شرایطی از اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه است که "کانون نویسندگان کرد" در اساسنامه و اهدافش دارد به سر قوانین جمهوری اسلامی قسم می خورد. رجوع این اساسنامه در ماده ۲ به آیین نامه ها و مصوبه ها و ماده های قانونی رژیم، بیش از اندازه حال آدم را بهم میزند. کرنشی برده وار در قسم خوردن به تمام بندها و ماده های قانونی و دولتی، در این بند موج می زند. آنهم فقط برای "اشاعه و گسترش فرهنگ و زبان کردی"

ماده ۳

محل: مرکز اصلی "کانون" در استان کردستان، شهرستان سنندج است و در صورت لزوم می تواند پس از کسب مجوز از مراجع صدور پروانه برابر مقررات در سایر نقاط داخل و خارج کشور شعبه ی نمایندگی یا دفتر دایر نماید.

ماده سوم این اساسنامه آنهم پس از کسب مجوز از مراجع صدور پروانه برابر مقررات دفتر دایر می نماید.

یعنی اگر برابر مقررات مجوز دریافت نکند کار ادبی و هنری اش به پایگانی سپرده می شود. طی حاکمیت رژیم اسلامی بسیاری از شخصیتهای ادبی، هنری و روشنفکر، نه تنها لزومی به آستان بوسی به شیوه ناسیونالیستی ندیدند بلکه با جسارت و شهامت حرف خود را خطاب به جامعه و در آثارشان بیان کردند. چسپیدن

نویسندگان این اساسنامه به قانون و مقررات کثیف ترین رژیم تاریخ، معنایی جز دایر کردن همان دکانی که سالهاست خود رژیم اسلامی دایر کرده است ندارد. نویسندگان این اساسنامه برای اینکه بتوانند تشکل غیر سیاسی خود را احیا کنند، در تلاشند تا با گرفتن اجازه از قوانین ضد بشری رژیم اسلامی به اشاعه و گسترش ادبیات و فرهنگ کردی و ناسیونالیستی بپردازند.

ماده ۴

تابعیت: تابعیت کشور ایران است.

ماده ۴ اساسنامه "کانون نویسندگان کرد" تابعیت کشور ایران را دارا است.

معلوم نیست آن نویسنده ای که خود را ملزم به آگاهگری در حیطه کار هنری و ادبی خود می داند، چرا باید به تابعیت یک کشور سوگند بخورد؟ چند نکته از این عبارت "تابعیت کشور ایران" که برای نویسنده ای نویسندگان این اساسنامه بسیار مهم و حیاطی بوده است رامی توان برشرد. نویسندگان "آزاد اندیش کرد" در این اساسنامه تلاش می کنند که ابتدا با هویت قومی و سپس برای اینکه قافیه تنگ نیاید با هویت ملی، مراجع صدور پروانه را متقاعد سازند که این کانون ابتدا "غیر سیاسی" است، بدتر از آن "کرد و ناسیونالیست" است و نهایتا می تواند با موازین اتباع کشوری بخوبی خود را تعریف کند و اگر غیر سیاسی بودن و کرد بودن آنها مانعی برای مجوز شد، شاید با هویت ملی و ایرانی گری بتواند مجوز بگیرد و نگرانی های احتمالی نهاد مربوطه در دادن مجوز به آن را مرتفع کند.

بزمع این اساسنامه، نویسنده شریفی که تابعیت کشور ایران را نداشته باشد و یا نخواهد با چنین هویتی به آستان بوسی قوانین رژیم اسلامی برود، باید سر از زندان در آورد. با پذیرش قوانینی که سالهاست نویسندگان را به مسلخ می برد، این کانون چگونه می تواند از آزادی بیان و قلم آنان دفاع کند؟! ماده ۴ تنها یک بند ناقص دارد و آنهم بیان هویت مذهبی در اساسنامه اش است!!

ماده ۸

اهداف کانون: اهداف کانون

۲ صفحه

نقدی بر اساسنامه کانون...

بند بخوبی به نمایش گذاشته شده است. خوب دقت کنید.

معرفی و گسترش هویت و فرهنگ ملی کرد. عمق اهداف ناسیونالیستی و قومپرستی این اساسنامه یکی از اهداف این کانون است که در بند سوم همین ماده مدعی است که از آزادی اندیشه، قلم و بیان هم دفاع می کند. ناسیونالیسم و باد زدن قوم گرایی هیچگونه سختی با آزادی ندارد و در طول تاریخ، ناسیونالیسم و ناسیونالیستها مداوما در جنگ با آزادی و اندیشه قرار داشته اند اما پیداست که هدف این اساسنامه، آزادی برای رشد و گسترش هویت انسانی و طبقاتی نیست بلکه در جهت احیای "هویت فرهنگ ملی" است که "اندیشمندان کرد" در این اساسنامه، آزاد بودن برای گسترش فرهنگ کرد را از نهادهایی طلب می کنند که ضدیدت این سیستم در رژیم اسلامی یعنی قاتلین آزادی و خفه کردن بیان و بریدن زبان، یکی از عملکرد های ذاتی سه دهه از حاکمیت ضد انسانی آن بوده است. بنابراین، تعارفات این اساسنامه را

عبارتند از:

معرفی و گسترش هویت و فرهنگ ملی کرد.
تلاش در جهت رسمیت بخشی حقوقی به زبان کردی.
دفاع از آزادی اندیشه قلم و بیان.
دفاع از حقوق نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان کرد.
الف:

تعاریف: نویسنده در این تعریف به کسی اطلاق می گردد با اثر مکتوب خود در کلیه ی حوزه های فرهنگی، اجتماعی، هنری، تاریخی، سیاسی، اقتصادی، ادبی و علمی به ملت کرد خدمت نموده است.
ب:

کلیات: کلیه ی مسایلی که به نوعی در خدمت معرفی و گسترش هویت و فرهنگ ملی کرد، دفاع از آزادی اندیشه، قلم، و بیان، دفاع از حقوق نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان کرد و تلاش در جهت رسمیت بخشی حقوقی به زبان کردی باشد در حوزه ی اهداف و فعالیت ها ی کانون قرار خواهد گرفت.

جوهر و لپ کلام درافشانی های اساسنامه نویسندگان کرد در این

نباید جدی گرفت و افشای آنرا بعنوان اساسنامه ای که می خواهد از دشمنان آزادی، آزادی را برای گسترش هویت سازی قومی گدایی کند افشا کرد. تناقض این اساسنامه در بند ۴ از ماده ۸ هم در همین چهارچوب است. می گویند: دفاع از حقوق نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان کرد. سؤال این است که این کانون در مقابل کدام سیستم، نهاد و نظام می خواهد از نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان کرد دفاع کند. اگر در آن جامعه نویسنده، روزنامه نگار و هنرمندی مورد تعدی و تعرض قرار دارد، بر همه روشن است که از جانب دم و دستگاه سرکوب و نهادهای رژیم اسلامی مورد تعرض، زندان، شکنجه و اعدام قرار می گیرند. از طرف همان قوانین و مقرراتی که کلیت جامعه و همچنین نویسندگان مورد پورش قرار می گیرند که این اساسنامه به آنها سوگند یاد می کند و تعهد می کند که پا را از گلیم خود فراتر نخواهد گذاشت. تعرض، دستگیری، زندان و اعدام برای هر نویسنده و هر هنرمندی، بدون هیچگونه اما و اگر، امری سیاسی است. چیزی که "این کانون" در ابتدای اساسنامه اش خود را از آن میرا دانسته است و بسیار زیرکانه در بند الف از ماده ۸ و در تعریف از نویسنده آورده است که: نویسنده در

این تعریف به کسی اطلاق می گردد که با اثر مکتوب خود در کلیه حوزه های فرهنگی، اجتماعی، هنری، تاریخی، سیاسی، اقتصادی، ادبی و علمی به ملت کرد خدمت نموده است. بیچاره آن نویسنده ای که اهل تهران، شیراز یا اصفهان است. این اساسنامه حتی يك همسرنشستی سراسری - صنفی را هم در خود ندارد تا اگر نویسنده یا شاعری در تبریز یا دیگر شهرهای ایران بر علیه گوشه ای از نابرابری های اجتماعی دست به قلم برد، بتوان ازش دفاع کرد.

با توجه به آنچه که تا کنون برشمرده این اساسنامه دو وجه مشخصه دارد اول اینکه در تلاش است به رشد و گسترش هویت سازی قومی کرد بپردازد. تلاشی که در سالهای اخیر هستی و زندگی بسیاری از انسانها را به گونه ای فاجعه بار به نیستی بدل کرد. پیش کسوتان چنین اساسنامه هایی در یوگسلاوی، آلبانی، مقدونیه و بعضی از کشورهای اروپای شرقی، با ساختن هویت های کاذب و ضد بشری خود، به اندازه کافی زندگی نسلی را به خاک و خون کشیدند. وجه دیگر این اساسنامه این است که برای مشروعیت بخشیدن و ساختن پیش درآمدهای "هویت قومی" برای نسل کشی های آتی، می خواهد این مجوز را از صاحب امتیاز آن یعنی

رژیم اسلامی دریافت کند. باید به نویسندگان این اساسنامه اطمینان داد که نهادهای کسب مجوز رژیم اسلامی، هیچگونه مشکلی با اهداف این کانون در اساسنامه اش را نخواهد دید چرا که اساسنامه ای است که روح و جوهر آن، با قوانین و مقررات رژیم در این زمینه آنچنان مغایرتی ندارد.

اما در خاتمه این اطمینان را هم باید به این کانون داد که مرزهای هویت قومی و غیره، سالهاست شکسته شده است. در سندی که قرار است پایگاه و دفتر این کانون دایر شود، سالهاست که مرکز اعتراضات وسیع کارگری و جنبشهای اجتماعی، نظیر جنبش دفاع از حقوق برابر زن و مرد و گرامیداشت حقوق جهانشمول کودک و حرکت های اعتراضی جوانان بوده است. علاوه بر این سندی تاریخا کانون و مرکز چپ و کمونیسم بوده. این حرکت های رادیکال و این جنبشهای اعتراضی، انسانی و طبقاتی، سالهاست که ناسیونالیسم و قوم پرستی و هویت تراشی را حاشیه ای کرده است. در چنین اوضاع و احوالی از فضای رادیکال و اعتراضی، تلاش و فعالیت نویسندگان کرد در مقیاس این اساسنامه بسیار عقب تر از دستاوردهای مدرن، انسانی و طبقاتی است.

زنده باد هشت مارس، زنده باد آزادی زن!

زنان و مردان آزادیخواه!

باد آزادی زن! حجاب بردگی است، به این بردگی پایان دهیم!

حجاب باید لغو شود. باید خودمان آنرا عملاً لغو کنیم. باید در اجتماع ۸ مارس دسته جمعی حجاب ها را برداریم. باید به این طریق کل جامعه را فراخوانیم تا مبارزه هرروزه و تعطیل ناپذیر علیه حجاب را به سرانجام خود برسانند: الغاء حجاب! حجاب باید لغو شود، باید عملاً لغوش کنیم! مبارزه برای لغو عملی حجاب کل این دستگاه مخوف اختناق اسلامی را که بر حبس کردن نمیی از جامعه در قفس های متحرک اسلامی استوار

هشت مارس، ۱۷ اسفند، روز جهانی مبارزه برای آزادی زن است. در ایران که حجاب، آپارتاید جنسی و بی حقوقی زنان رکن حکومت اسلامی و سرکوب کل جامعه است، مبارزه برای رهایی زن امر فوری تک تک ماست. هشت مارس امسال فرصت خوبی است تا در صفوف هرچه وسیع تری به خیابان بیایم و فریاد برنیم: ستم بر زنان موقوف! آپارتاید جنسی موقوف! زن و مرد بی قید و شرط و در کلیه حقوق برابرند! زنده باد آزادی و برابری! زنده

است به لرزه در خواهد آورد. این سرآغاز مبارزه ای گسترده تر برای نابود کردن رژیم اسلامی و آزادی کل جامعه است.

جوانان، کارگران! معلمان! پرستاران! دانشجویان! هشت مارس روز اعتراض همه ما است. ۲۸ سال حکومت ننگین اسلامی به همه آموخته است که آزادی زن آزادی جامعه است. شما را فرامیخوانیم که فعالانه در برگزاری ۸ مارس و در اجتماعات آن شرکت کنید. بویژه در اوضاع سیاسی کنونی، در شرایطی که جدال قطب های جهانی تروریست اسلامی و دول غربی به جاهای باریکی کشیده میشود و تهدید جنگ و تحریم بر

کشیم کل این بنای وحشت فرو خواهد ریخت.

حزب کمونیست کارگری در بریایی هشت مارس سرخ و هرچه وسیع تر و بویژه برای لغو عملی حجاب فعالانه میکوشد و دست همه شما زنان و مردان آزادیخواه، همه فعالین جنبش آزادی زن، همه فعالین کارگری و دانشجویی و همه سوسیالیست ها را در تدارک هرچه وسیع تر هشت مارس به گرمی میفشارد.

زنده باد هشت مارس!
زنده باد آزادی زن!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۷ بهمن ۱۳۸۵، ۲۷ ژانویه ۲۰۰۷

مراسمی بزرگ با شعارهای رادیکال در اشنویه

مراسم باشکوه جشن آدم بر فیها در شهرستان اشنویه با شعارها و پلاکاردهای رادیکال فضای شهر را تحت تاثیر خود قرار داد. در این مراسم باشکوه که از ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه ۲۰ بهمن ۱۳۸۵ آغاز شد بیش از سه هزار نفر از مردم آزادیخواه و مدافع حقوق کودک حضور داشتند. پلاکاردهای متعدد و شعارهای رادیکال این مراسم مردم حاضر را متوجه خود کرده و به دست اندرکاران این مراسم تبریک میگفتند. شعارها و پلاکاردها به قرار زیر بودند: "کودکان مقدمند" "حقوق کودک جهانشمول است" "کار

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ بهمن ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ فوریه ۲۰۰۷

احضار فعالین کارگری را محکوم میکنیم

رژیم اسلامی میدانند نگهداری این فعالین در زندان برایش گران تمام میشود به همین دلیل تلاش میکنند با احضار و بازداشتهای موقت آنها را از فعالیت برای رسیدن به مطالبات برحقشان باز دارد. این بازداشتها و احضارها را باید شدیداً محکوم کرد. باید دیگر فعالین و تشکلهای مدافع حقوق انسانی عکس العمل نشان دهند. اگر رژیم اسلامی در این سطح از تعرض به فعالین، با جوابی محکم روبرو نشود قدم بعدی دستگیریهای وسیع و بازداشتهای طولانی مدت خواهد بود. کمیته کردستان حزب ضمن محکوم کردن این تعرضات سرکوبگرانه از همه کارگران و تشکلهای کارگری میخواهد به این سیاست رژیم اعتراض کنند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ بهمن ۱۳۸۵
۱۰ فوریه ۲۰۰۷

صدیق کریمی عضو هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در سنجند بوسیله اداره اطلاعات احضار و چهار ساعت و نیم بازجویی شد. هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار طی اطلاعیه ای اعلام کرده است که یکی از اعضا هیئت موسس این اتحادیه به نام صدیق کریمی در سنجند توسط اداره اطلاعات رژیم اسلامی در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۸۵ احضار شده است. در این اطلاعیه آمده است که صدیق کریمی چهار ساعت و نیم تحت بازجویی بوده است. احضار و دستگیری فعالین کارگری و دیگر فعالین جنبشهای اجتماعی مدتهاست که بوسیله رژیم اسلامی در کردستان و بویژه در سنجند شدت گرفته است. مخصوصاً با نزدیک شدن به ۱۶ آذر این تعرض شدت گرفت و اخیراً با نزدیک شدن به روز جهانی زن و رشد

کارگران "نساجی کردستان" مقابل اداره کار استان تجمع کردند

سنجد- خبرگزاری کار ایران کارگران کارخانه نساجی کردستان، امروز هم به منظور احقاق حق خود مقابل اداره روابط کار استان کردستان تجمع کردند. "امانی" یکی از نمایندگان کارگران اخراجی کارخانه نساجی کردستان به خبرنگار ایلنا، گفت: کارگران اخراجی نساجی کردستان که حدود ۴۰۰ نفر هستند و بیمه بیکاری اغلب آنان تمام شده است، خواهان ایجاد کار و ابقای به کار اولیه می باشند. وی اظهار داشت: اداره کار بر اساس ماده ۹ می بایست برای کارگران ایجاد کار کرده و یا آنها را در کار اولیه ابقا می کرد، اما متأسفانه تا به حال هیچ گونه اقدامی در این خصوص نشده است. امانی گفت: کارگران اخراجی که در کارهای سخت صنعت نساجی

کار کرده اند، بعد از ۱۷ سال سابق بیمه ای بر اثر امراض ناشی از کار، بیمار و بیکار هستند و اکنون از اوایل سال جاری برای چندمین بار تجمع نموده و خواهان ایجاد کار هستند. وی ادامه داد: از طریق اداره کار استان ۱۰۰ نفر از کارگران گزینشی انتخاب شده تا به آنها وام پرداخت نمایند، اما برای این ۱۰۰ کارگر هم مشکلاتی از قبیل تعهدات و ضامن فراهم شده است. امانی بیان داشت: چنانچه به کارگران، این وام پرداخت شود، از این پس کارگران به عنوان کارفرما تلقی می شوند و دیگر نمی توانند به عنوان کارگر مدعی باشند، که این باعث از بین رفتن سابق بیمه ای آنها می شود. وی گفت: کارگران هنوز معترض به پرداخت تسهیلات می باشند و

اکثریت آنها خواهان ابقای به کار اولیه و یا ایجاد کار دیگری تا موعد بازنشستگی و یا ادامه مقرری بیمه می باشند. "ایوب زراعی"، یکی از کارگران اخراجی کارخانه نساجی کردستان گفت: وضعیت صنعت در کردستان فقیر و محروم اسف بار است، هدف از ایجاد و احداث کارخانه نساجی، اشتغالزایی، جذب نیروی بیکار و کم کردن نیازمندان بود. وی افزود: با توجه به صنعت های مدرن جهانی و تکنولوژی حاکم بر صنعت نساجی، کارخانه نساجی کردستان دایر شد، در نتیجه، کلیت به وجود آوردن کارخانه نساجی، درآمدزایی برای دولت نیست، بلکه ایجاد اشتغال و پیشرفت صنعتی عنوان می شد. ایوب زراعی ضمن اشاره به قدمت ۱۷ ساله کارخانه نساجی کردستان، گفت: در طول دوران یاد

شده، بازدهی مناسب، درآمد کافی برای صاحبان صنایع از جمله بنیاد جانبازان به وجود آمد، ولی متأسفانه به دلایل نامعلومی که شاید چندان معقول نباشد، باعث بیکار شدن عده کثیری از کارگران و فروش دستگاه های این کارخانه شده است. وی ادامه داد: با توجه به مسایل عنوان شده، این سوال از مسوولین می شود که علت اصلی به انحطاط کشیدن کارخانه، فروش دستگاه ها و بیکاری عده کثیری از نیروها که هر کدام به نوبه خود از توانایی و پتانسیل خاصی برخوردار و تجارب بلندی دارند، چه می توانند باشند. وی ادامه داد: به تجربه ثابت شده که کارخانه نساجی کردستان می تواند از درآمد خاص و جذب نیروی عالی با توان بالا برخوردار شود. ولی متأسفانه تا الان بعد از نابودی کارخانه هیچ اقدامی در راستای راه اندازی و فعال کردن کارخانه صورت نگرفته و

تجمعاتی که در این خصوص انجام می شود، هیچ مسوولی جوابگو نبوده است. حسن زارعی دیگر کارگر اخراجی کارخانه نساجی کردستان گفت: این برای چندمین بار است که در سال جاری، کارگران اخراجی مقابل ادارات به منظور درخواست مطالبات خود تجمع می کنند، اما تا به حال از این تجمعات نتیجه ای عاید نشده است. وی افزود: در تمام استان ها مسوولین در فکر ایجاد کار هستند، اما در کردستان به تنها چیزی که فکر نمی شود، ایجاد کار است. وی در پایان با اشاره به وام ۱۰ میلیون تومانی که قرار است به کارگران اخراجی پرداخت شود، گفت: این نشانه بیماری اقتصادی جامعه است که نمی توانند شغل ایجاد کنند و با وام دادن کار خود را راحت می کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!